اشتغال زنان از منظر اسلام و غرب(3)

محسن قدير

مقدمه‏

در شماره قبل خوانديد:

ديدگاه امروز غرب نسبت به زنان مبتنى بر تساوى حقوقى از جميع جهات با مردان است؛ بدون اين كه توجهى به تفاوت‏هاى طبيعى ميان آنان شده باشد. افزايش مشاركت زنان در غرب، بعد از انقلاب صنعتى، در عرصه فعاليت‏هاى اقتصادى و اشتغال، به سبب نياز شديد جوامع صنعتى به نيروى كار ارزان بود، نه به علت اين كه گسترش مشاركت زنان در جهت رعايت شخصيت و منزلت آنان باشد.

از آغاز انقلاب صنعتى تا كنون، زنان در عرصه‏هاى مختلف اقتصادى فعاليت مى‏كنند، ولى رفتار غرب با آن‏ها هيچ‏گاه مبتنى بر تساوى حقوق زن و مرد نبوده و زنان همواره در مقدار دستمزد و كيفيت شغل احراز شده، در مرحله پايين‏تر از مردان قرار دارند.

حمايت سازمان ملل و ديگر سازمان‏هاى وابسته به آن از زنان، نشان دهنده اين است كه نگاه جامعه بين المللى به زنان و مسائل آنان، نگاه خاص مبتنى بر تفاوت‏هاى طبيعى ميان زنان و مردان است. در غير اين صورت، حمايت‏هاى خاص از حقوق زنان و امتيازات خاصى را براى آنان قائل شدن، معنا و مفهومى نخواهد داشت.

اين در حالى است كه از ديدگاه اسلام، تفاوت‏هاى زن و مرد تناسب است نه نقص، و كمال قانون خلقت خواسته است با اين تفاوت‏ها تناسب بيشترى ميان زن و مرد به وجود آورد. اسلام اشتغال را براى زن هدف نمى‏داند، بلكه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسايش آن مى‏پذيرد.

ه) اشتغال زنان در جمهورى اسلامى ايران

اشتغال زنان را در جمهورى اسلامى ايران مى‏توان در ابعاد مختلف بررسى كرد. در اين نوشتار، اشتغال زنان در دو بُعد بررسى مى‏گردد.

1- قوانين موضوعه؛

2- بررسى اشتغال در آيينه آمار.

1- قوانين موضوع

در قوانين مربوط به اشتغال زنان در جمهورى اسلامى ايران، نه تنها تبعيض به مفهوم اجحاف قانونى به زن وجود ندارد، بلكه مجموعه‏اى از تسهيلات و امتيازات هم چون كار نيمه وقت، مهد كودك، مرخصى زايمان، بازنشستگى زودرس و... براى استحكام خانواده مقرر شده است.1

- قانون اساسى

براساس بند 2 اصل 43 قانون اساسى: دولت موظف است شرايط و امكانات كار را براى همه [اعم از زن و مرد] به منظور رسيدن به اشتغال كامل فراهم سازد و وسايل كار را در اختيار همه كسانى كه قادر به كارند، ولى وسايل كار ندارند، قرار دهد.

براساس اصل بيست و يكم قانون اساسى، دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعايت موازين اسلامى تضمين كند و امور زير را انجام دهد:

1- ايجاد زمينه‏هاى مساعد براى رشد شخصيت زن و احياى حقوق مادى و معنوى او؛

2- حمايت از مادران، به ويژه در دوران باردارى و حضانت فرزند و حمايت از كودكان بى‏سرپرست؛

3- ايجاد دادگاه صالح براى حفظ كيان و بقاى خانواده؛

4- ايجاد بيمه خاص بيوگان و زنان سالخورده و بى‏سرپرست؛

5- اعطاى قيمومت فرزندان به مادران شايسته، در جهت غبطه آن‏ها، در صورت نبودن ولىّ شرعى.

قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران با آن كه براى خانواده و بقاى آن بيشترين اولويت و اهميت را قائل است، زن را در صحنه‏هاى اقتصادى، اجتماعى، سياسى همپاى مردان مى‏داند. در مقدمه قانون اساسى آمده است:

زن ضمن بازيافتن وظيفه خطير و پرارج مادرى در پرورش انسان‏هاى مكتبى، پيشاهنگ و همرزم مردان، در ميدان‏هاى فعاليت است و در نتيجه، پذيراى مسؤوليتى خطيرتر و در ديدگاه اسلامى برخوردار از ارزش و كرامتى والاتر خواهد بود.

- قانون استخدام كشورى

به طور كلى، در قانون استخدام كشورى، محدوديتى در استخدام و حالت‏هاى مختلفى كه در طول خدمت مستخدم احتمال وقوع آن وجود دارد، از لحاظ جنسيت، مشاهده نمى‏شود. شرط تصدّى مشاغل، توانايى انجام دادن و داشتن شرايط احراز شغل است.2

- قانون كار و قانون تأمين اجتماعى

در قانون كار جمهورى اسلامى ايران، سعى بر اين بوده است كه نه تنها مقاوله‏نامه‏ها و توصيه‏نامه‏هاى بين‏المللى در مورد زنان مورد توجه قرار گيرد، بلكه با توجه به منزلتى كه اسلام براى زنان قائل است و جايگاه وى در خانواده، مقررات به نحوى تدوين گردد كه زنان علاوه بر اشتغال در مشاغل گوناگون، قادر باشند به وظايف خطير خود در خانواده عمل كنند و در ضمن، خصوصيات روحى و جسمى زنان نيز مدنظر قرار گرفته است.3

مقررات خاص كار زنان عمدتاً در مبحث چهارم، از فصل سوم قانون كار، به شرح ذيل آمده است:

ماده 75- ممنوعيت انجام كارهاى سخت و زيانبار و حمل بار بيش از حد مجاز؛

ماده 76- محاسبه نود روز براى مرخصى زايمان؛

ماده 77- در مواردى كه نوع كار براى زنان سخت باشد، كار بهتر و سبك‏ترى بدون كسر حق السعى به زنان ارجاع شود؛

ماده 78- مربوط به حق شيردادن با فرجه قانونى قابل احتساب؛

ماده 38- براى انجام كار مساوى، در شرايط مساوى در يك كارگاه، بايد تساوى دستمزد وجود داشته باشد و هر نوع تبعيضى در اين خصوص ممنوع است.

در قانون تأمين اجتماعى كشور نيز مقرراتى براى حمايت از برابرى زن و مرد در اشتغال پيش بينى شده است:4

- پرداخت مبلغى به عنوان كمك هزينه ازدواج و كمك عائله‏مندى به بيمه شده مرد يا زن؛

- قانون بازنشستگى پيش از موعد بيمه شدگان تأمين اجتماعى كه براساس آن زنان با بيست سال سابقه كار و حداقل 45 سال سن، پيش از موعد بازنشسته مى‏شوند؛

- تقليل ساعت كار بانوان در قانون خدمت نيمه وقت بانوان؛

- قانون اجازه پرداخت وظيفه و مستمرى وراث كارمندان و برقرارى حقوق وظيفه در مورد فرزندان و نوادگان اناث.

2- اشتغال زنان در آيينه آمار

براساس شاخص‏هاى مختلف توسعه انسانى ارائه شده توسط سازمان برنامه و بودجه، در سال 1378، فعاليت اقتصادى زنان در ايران اين گونه برآورد شده است:5

1- سهم نسبى درآمد زنان: از 6/7% در سال 1367، به 7/9% در سال 1376 افزايش يافت.

2- نرخ فعاليت اقتصادى زنان نسبت به مردان: از 6/11% در سال 1367، به 3/14% در سال 1376 افزايش يافت.

3- سهم نسبى زنان در كل نيروى كار بزرگسال (درصد): از 9/9% در سال 1367، به 2/12% در سال 1375 افزايش يافت.

بررسى وضعيت استخدام شدگان زن در سال‏هاى بعد از انقلاب نشان مى‏دهد، استخدام زنان در سال‏هاى اخير، بر مبناى استفاده مطلوب از نيروى زنان در بخش دولتى صورت گرفته است، به طورى كه 07/89% استخدام‏هاى مستخدمين زن در بخش مشمول در سال‏هاى بعد از انقلاب، در وزارت آموزش و پرورش صورت گرفته و پس از آن، وزارت علوم و فن‏آورى با نسبت 92/3% و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكى با نسبت 54/2% قرار دارند.

به اين ترتيب، فقط 47/4% از كل استخدام‏هاى سال‏هاى اخير مربوط به ساير وزارتخانه‏هاست. چنان چه نسبت استخدام‏هاى دو سال اخير را در نظر بگيريم، ملاحظه مى‏شود كه 31/93% از كل مستخدمين زن در آموزش و پرورش شاغل شده‏اند، در صورتى كه استخدام‏هاى وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكى و علوم و فن‏آورى را به آن بيفزاييم، نسبت مذكور به 35/97% مى‏رسد. به اين ترتيب، در دو سال اخير، فقط 65/2% استخدام‏هاى زنان در ساير وزارتخانه‏ها صورت گرفته است.6

با بررسى آمار و ارقام ارائه شده، مشاهده مى‏شود، اشتغال زنان به طور عمده در مشاغل فرهنگى و مشاغلى است كه تناسب بيشترى با منزلت و جايگاه زن در جامعه دارد. انتخاب مشاغل در هر جامعه‏اى برخاسته از فرهنگ حاكم بر آن جامعه است؛ از اين رو، بعد از پيروزى انقلاب اسلامى، با افزايش استقبال زنان براى اشتغال در كارهاى متناسب با منزلت خودشان مواجهيم و اين خود اَمرى كاملاً مثبت و رويكردى صحيح است كه در جامعه ما شكل گرفته كه البته در كنار نقش همسرى و مادرى زن قرار مى‏گيرد.

يكى از زنان نويسنده با برداشت غربى از حقوق زنان در ايران و اشتغال آنان، اين گونه نقش اصلى زن در جامعه ايران را به انتقاد مى‏گيرد:

در يك نگاه به ساختار شغلى زنان، مشاهده مى‏شود كه محدوده شغلى زنان از سه - چهار شكل فراتر نمى‏رود. حضور زنان فقط در شغل‏هايى كه در واقع ادامه نقش‏هاى سنتى آن‏هاست و انتقال اين نقش‏ها از خانه به اجتماع است، ملموس و قابل اعتنا مى‏باشد. اين اشتغال عبارت است از: معلّمى و مشاغل مربوط به امور بهداشتى و درمانى كه در واقع ادامه نقش‏هاى تعليماتى و حمايتى و مراقبتى مادرانه از خانواده به اجتماع است... .

تغييرات بافت اقتصادى اشتغال زنان در سال‏هاى اخير نشان مى‏دهد كه اشتغال زنان كشور توسعه نمى‏يابد، مگر اين كه فعاليت‏هاى صنعتى كشور توسعه پيدا كند و زنان در توليد مشاركت داشته باشند. براى قرار گرفتن در مسير توسعه، انتظار ايفاى نقش‏هاى سنتى از زنان، تفكرى مردود و غيرمنطقى است.7

در حالى كه امروزه در جوامع غربى بحث در خصوص نقش سهم كارِ خانگى يا كار در منزل در توسعه مطرح شده است و جامعه شناسان و اقتصاددانان غربى براى كار در منزل اهميت زيادى قائل‏اند،8 مطرح كردن تغيير نقش زنان در جامعه و نفى جايگاه و نقش سنتى زنان - يعنى مادرى و همسرى - نشان دهنده بستر سازى اين گونه اشخاص براى استحاله فرهنگ اسلامى در جامعه است.

امروزه در غرب شاهد شكل‏گيرى ديدگاه‏هاى جديدى در عرصه اقتصاد هستيم كه خدمات خانگى توليد شده را به ارقام سنتى توليد ناخالص ملى )GNP(9 اضافه مى‏كنند؛ حال آن كه اين افزايش در آمار آمارگران نمى‏آيد. از اين رو، معيار ديگرى براى زندگى اقتصادى، به نام رفاه خالص اقتصادى )NEW(10 پيشنهاد شده است.11

گيدنز مى‏نويسد: «25 تا 40 درصد ثروت جوامع صنعتى ناشى از كار بى‏مزد خانگى است».12 در حالى كه امروزه در غرب، ديدگاه بازگشت به ارزش گذارى كار در منزل مطرح است و براى اين كار ارزش اقتصادى قائل شده‏اند، اين نويسنده اساساً جايگاه و نقش سنتى زنان در جامعه ايران را مردود مى‏داند و فقط معيار پيشرفت زنان را مشاركت در كارهاى صنعتى و توليدى مى‏داند.

امّا در خصوص ميانگين دستمزد زنان در سازمان‏هاى دولتى، نسبت دستمزد زنان به مردان، 80 به 100 است. با توجه به آمارى كه در سال 1994، از طريق سازمان ملل تهيه گرديده و در گزارش آن آمده است، وضعيت دستمزد در ايران نسبت به كشورهاى پيشرفته ميزان خوبى را داراست. در حالى كه بالاترين دستمزد زنان نسبت به مردان، در كشور سوئد است، يعنى نسبت 90 مقابل 100 و در آمريكا 59 به 100 و در ژاپن 51 به 100 است.13

پس ملاحظه مى‏كنيم، در زمينه دستمزد، زنان ايرانى از دستمزد مناسبى در قياس با ساير كشورها برخوردارند. شايد در كشور ما درصد زنان شاغل در كارهاى رسمى كه 12% اعلام شده است، نسبت به كشورهاى غربى كه حداقل 32% و حداكثر 48% اعلام شده، آمار كمى باشد، امّا بايد نگرش جامعه ما به زن و اشتغال از منظر حفظ هويت دينى و نقش مادرى و همسرى صورت گيرد. از اين رو، ارتقاى كمّى و كيفى اشتغال زنان در ايران زمانى مى‏تواند مطلوب باشد كه در راستاى حفظ هويت فرهنگى و دينى زنان باشد. در غرب، زنان بايد براى اشتغال تلاش كنند؛ چون اشتغال، خود به هدف تبديل شده و نهاد خانواده بسيار متزلزل و ناپايدار است. امّا جامعه ما براساس فرهنگ اسلامى تقسيم كار را بين زنان و مردان مى‏پذيرد. آن چه به عنوان پيشنهاد در خصوص اشتغال زنان در ايران مى‏توان مطرح نمود، باز كردن راه‏هاى توسعه و گسترش نقش زنان در عرصه فعاليت‏هاى اقتصادى و اجتماعى است تا زنان بتوانند از قابليت‏ها و توانايى‏هاى خود براى پيشرفت جامعه اسلامى استفاده مطلوب نمايند.

شوراى عالى انقلاب فرهنگى، در سال 1370، سياست‏هاى اشتغال زنان در جمهورى اسلامى ايران را تدوين كرد كه ذكر خلاصه‏اى از آن سياست‏ها مى‏تواند، در اين نوشتار، مفيد باشد:

1- با توجه به قداست مقام مادرى و تربيت نسل آينده و مديريت خانه و با عنايت به نقش زنان در فرايند رشد فرهنگى و توسعه اقتصادى، بايد ارزش معنوى و مادى نقش زنان در خانواده و كار آنان در خانه در نظر گرفته شود.

2- اشتغال بانوان در مشاغل فرهنگى، اجتماعى، اقتصادى و ادارى از جمله شرايط و لوازم تحقق عدالت اجتماعى و تعالى جامعه است و بايد به آن وقع لازم گذاشته شود.

3- شرايط و محيط كار اجتماعى بانوان بايد به گونه‏اى مهيا باشد كه زمينه رشد معنوى، علمى و حرفه‏اى آنان فراهم شود و به ديانت، شخصيت، منزلت و سلامت روحى، فكرى و جسمى آنان لطمه‏اى وارد نيايد.

4- با توجه به نقش زنان در پيشرفت اجتماعى و توسعه اقتصادى و به عنوان نيمى از جمعيت، بايد تسهيلات لازم براى اشتغال آنان از سوى دستگاه‏هاى اجرايى فراهم آيد و برنامه ريزى‏هاى مناسب حسب اولويت صورت گيرد، و به علاوه، قوانين و امكانات فوق‏العاده‏اى نيز براى اشتغال زنان تا سرحد رفع نياز در نظر گرفته شود و زنان نيز مانند مردان قادر باشند بدون تبعيض، شغل مطلوب خود را به دست آورند.

5- تشويق بانوان تحصيل كرده و متخصص با تجربه به احراز سمت‏هاى مديريت و مشاغل ستادى، به منظور امكان استفاده از كارآيى آن‏ها در سطوح عالى اجرايى.

6- با توجه به اهميتى كه نظام جمهورى اسلامى ايران به استحكام بنيان خانواده و نقش تربيتى و سازنده زنان در خانه قائل است، مقررات و تسهيلات لازم، به مناسبت «شغل مادرانه» در نظر گرفته شود؛ از قبيل استفاده از مرخصى با حقوق، تقليل ساعات كار، مزاياى بازنشستگى با سنوات كمتر خدمت، امنيت شغلى، برخوردارى از تأمين اجتماعى در مواقع بيكارى، بيمارى، پيرى يا ناتوانى از كار.

7- ايجاد فرصت‏هاى شغلى مناسب براى مادران خانه‏دار در محيط خانه و در كنار فرزندان، بدون محدوديت وقت و با منظور كردن مزد در قبال كار و تسهيلات تعاونى.

نتيجه‏گيرى

زن ومرد هر يك گويى نيمى از انسان كامل هستند كه جز با كمك يكديگر به كمال نمى‏رسند. اين روش تعامل در تكامل يكديگر، در نقش‏هاى خانوادگى زن و مرد، به صورت بسيار ملموس آشكار مى‏شود، تا شايد زمينه نياز متقابل هر يك در اجتماع، براى ديگرى اثبات شود. اين نياز متقابل و تأثير در كمال يكديگر، هميشه و لزوماً به صورت معادله 50% نيست، بلكه اين نسبت به لحاظ زمينه‏ها و سرمايه‏هاى خلقتى، تربيتى، اكتسابى و ايفاى وظايف، با ميزان اين سرمايه‏ها در جنسيت ديگر متناسب مى‏شود.14

اسلام اصول مشخصى براى شخصيت زن ترسيم كرده است كه نگاه به حقوق زنان در ابعاد مختلف سياسى، اجتماعى، اقتصادى و فرهنگى بايد مبتنى بر اين اصول باشد. اين اصول به طور مشخص عبارتند از:

1- تفاوت‏هاى تكوينى زن و مرد؛

2- اشتراك زن و مرد در انسانيت؛

3- زن و مرد دو موجود مكمل يكديگر؛

4- خانواده ركن اساسى اجتماع؛

5- محوريت اخلاق و معنويت.

حضرت امام خمينى (قدس سره) در اين خصوص مى‏فرمايد:

در حقوق انسانى، تفاوتى بين زن و مرد نيست؛ زيرا كه هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خويش را هم چون مرد دارد. بله، در بعضى موارد تفاوت‏هايى بين زن و مرد وجود دارد كه به حيثيت انسانى آن‏ها ارتباط ندارد.15

بعد از ذكر مطالب اساسى در خصوص نگرش به زن و منزلت او، مى‏توان به صورت شفاف و غير منفعلانه به اشتغال از منظر غرب نگريست. تا استيفاى كامل حقوق زنان در جوامع اسلامى فاصله زيادى وجود دارد، امّا اين به معناى پذيرش وضعيت موجود در غرب نيست؛ چون شاخص اصلى فرهنگ جديد غربى فردگرايى است و اين فرهنگ جديد خانواده را تحت الشعاع قرار داده و بنيان آن را متزلزل ساخته و زن را همانند مرد قرار داده است. فرد محورى باعث شده، نگرش خاصى به زن شكل بگيرد و در آن زن جدا از مفهوم خانواده مورد توجه قرار گيرد. نگاه به اشتغال زنان در غرب با توجه به آمارها و ارقامى كه ارائه مى‏شود، دليل بر منزلت بالا و تعالى نقش زن نيست و نگاه به اشتغال زنان در جمهورى اسلامى با توجه به آمار موجود دليل بر پايين بودن منزلت زن نيست، بلكه ما معتقديم در جامعه اسلامى بايد قابليت‏ها و توانايى‏هاى زنان شكوفا شود و نگاه به زن و اشتغالِ او با توجه به مطالبى كه ذكر شد، نگاهى معقول و متناسب با شخصيت او باشد. اگر بخواهيم در روندى شتاب زده، صرفاً الگوى اشتغال زنان در غرب را بپذيريم، هم توسعه كمّى اشتغال را براى زنان نمى‏توانيم فراهم سازيم و هم از مبانى اسلامى و دينى دور مى‏شويم و به بيراهه مى‏رويم.

نهايت اين كه اگر نهاد خانواده به عنوان يك واحد اساسى اجتماعى مورد شناسايى قرار گيرد، نگرش به اشتغال زنان، مبتنى بر واقعيت خواهد بود و دغدغه تطابق با معيارهاى ديگر جوامع را نخواهيم داشت.

پى نوشت‏ها:

1- سيمين دخت بهزادپور، زن در توسعه مفاهيم اسلامى، ص 158 و 159.

2- بهجت الملوك مظفرى، مجموعه مقالات سمينار سيماى زن در جامعه، ص 135.

3- همان، ص 141.

4- اولين گزارش ملى توسعه انسانى ايران (سال 1378)، ص 157.

5- همان، ص 224، 226 و 228.

6- بهجت الملوك مظفرى، همان، ص 130.

7- مهرانگيز كار، زنان در بازار كار ايران، ص 144.

8- آنتونى گيدنز، جامعه‏شناسى، ترجمه: منوچهر صبورى، ص 196.

9. Gross National product

10. Net Economic Welfare

11- پل ساموئلسن و ويليام نوردهاوس، اقتصاد، ترجمه: عليرضا نوروزى و محمد ابراهيم جهان دوست، ج 1، ص 22.

12- آنتونى گيدنز، همان.

13- خديجه سفيرى، جامعه‏شناسى استغال، ص 67.

14- سيمين دخت بهزادپور، همان، ص 15 و 16.

15- صحيفه نور، ج 3، ص 49.